

از معارف تا معاریف

دایرة المعارف جامع اسلامی



○ معارف و معاریف «دایرة المعارف جامع اسلامی»
○ سیدمصطفی حسینی دشتی
○ مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ سوم با تجدید نظر و اضافات، ۱۳۷۹

○ علی رفیعی علامرودشتی

معنی آموزش و تعلیم است. کلمه «انسیکلوپدیا» را یونانیان باستان، بر مجموعه مواد و موضوعات آموزشی اطلاق می‌کردند و آن هفت موضوع و دانش بود که اساس علم و معرفت آن روزگار شمرده می‌شد و عبارت بود از: دستور زبان (صرف و نحو)، منطق، بلاغت، حساب، هندسه، موسیقی و هیت. این کلمه نخستین بار در ۱۵۳۱ م. در انگلستان و در ۱۵۴۲ م. در فرانسه و در ۱۵۵۹ م. در آلمان برای مجموعه‌های چند دانشی یا کتب‌هایی که در آنها از علوم و فنون مختلف بحث می‌کردند به کار گرفته شد. با توجه به تعاریفی که در مورد دایرةالمعارف شده این عنوان و کلمه یا اصطلاح، عنوان عمومی هر یک از کتب‌هایی است که حاوی زبده مختصری از رشته‌های گوناگون دانش بشری یا رشته‌ای خاص و معین است و شامل دو قسم خاص و نوبخش عام است و هر یک از این اقسام و بخش‌ها یا به ترتیب موضوعی است که دایرةالمعارف موضوعی نامیده می‌شود یا بر اساس حروف

تنها به اختصار به آن می‌پردازیم. دایرةالمعارف یا دایرةالمعارف. ترجمه کلمه «انسیکلوپدیا» (Encyclopedia) در زبانهای فرنگی است و گویا نخستین بار در سال ۱۲۹۳ ق / ۱۸۷۶ م. با تألیف «دایرةالمعارف» تألیف پطرس بسنتی، در لبنان، وارد حوزه فرهنگی اسلامی و عربی و سپس ایرانی گردیده است. پس از آن با انتشار دایرةالمعارف القرن العشرون اثر فریدوندی، در ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م و دایرةالمعارف اثر فواد افلام بسنتی و ترجمه دایرةالمعارف الاسلامیه که متن انگلیسی و آلمانی و فرانسوی آن بین سالهای ۱۹۱۳-۱۹۲۸ م در اروپا منتشر شده بود، این اصطلاح در مجامع علمی و اسلامی کشورهای اسلامی و ایران رواج یافت. کلمه 'Encyclopaedia' و 'Encyclopedie' و 'Enzyklopadie' شکلهای لاتینی شده عبارت یونانی 'Enkukliospaideia' که به زبانهای جدید اروپایی وارد شده است و مرکب از سه جزء 'En' و 'Cycle=Kuklios' به معنای دایره و 'Paideia' به

دایرةالمعارف‌نویسی و پیدایش دانشنامه‌ها و مجموعه‌های چنددانشی، در هر کشور و میان هر ملت نشانه‌دهنده عزم راسخ و تصمیم جدی آن کشور و ملت در جهت بقا و زندگی، بر موازین علمی و همراه و همگون با عصر و زمانه‌ای است که در آن به سر می‌برند؛ زیرا پیشرفتهای علمی و رشد روزافزون رشته‌های گوناگون علم و تکنولوژی و اطلاعات در روزگار ما، اطلاع و آگاهی از آنها را از چند جهت برای نسل حاضر، مواجه با مشکل کرده است؛ تا آنجا که نعمتها آگاهی از آن رشته‌ها و اطلاعات روزآمد برای عامه مردم که برای خواص نیز، امکان‌پذیر نیستند و تنها از طریق دایرةالمعارفها و مجموعه‌های چنددانشی است که می‌توان نوعی ارتباط و اتصال به علوم گوناگون و رشته‌های مختلف هنر و فنون را برای عموم افراد جامعه، به ویژه غیرمتخصصان فراهم آورد. اطلاع از چگونگی و تاریخچه پیدایش این نوع کتابها و منابع دایرةالمعارفی یا دایرةالمعارف‌گونه، خود حدیث و داستانی مفصل دارد که در این مختصر نمی‌گنجد و در اینجا

دانشمندان اسلامی از همان دیرباز، در صدد برآمدند که مهمترین اصولی ترین و روح و عصاره علوم و مسائل علمی و فرهنگی را برگزینند و در واقع، خلاصه و فشرده علوم و فنون و معارف اسلامی و بشری را در مجموعه‌هایی قابل فهم عموم گرد آورند

تجلی تنظیم گردیده است که آن را دایرةالمعارف الفیایی می‌نامند. وجه اشتراک دایرةالمعارفها، لغتنامه‌ها و اطلسها و اصولاً مجموعه‌های چنددانشی در این است که همگی کتابهای مربع شناخته شده‌اند و گرنه دیگر وجه اشتراکی ندارند.

تاریخچه دایرةالمعارف‌نویسی در جهان اسلام: یکی از ارکان اصلی دین مقدس اسلام که خود دین آگاهی، حکمت و اجتهاد است، معرفت و شناخت است. نخستین پیام آن کلمه «قرآه است و در آیت بسیاری از قرآن مجید امر به خواندن و نوشتن و تعلیم و تفکر و تدبیر شده است. دانش جویی و دانش طلبی، یک فریضه معرفی شده و در سخنان پیشوایان و امامان معصوم (ع) و رهبران دینی کلمات و جملات و روایات فراوانی در فضیلت دانش و دانش طلبی، ارزش علم و عالمان، کثرت و تعلیم آمده است که اهمیت و پایگاه علم و معرفت را از نظر آن نشان می‌دهد. اما از آنجا که دامنه علوم و معارف بسیار گسترده و عمراستنها پس کوتاه و مشغله‌های فراوان آنان در امر تأمین معاش، موانع بسیاری بر سر راه دستیابی انسانها به علوم به وجود می‌آورد، از همان دیرباز، پیامبر گرامی اسلام و پیشوایان معصوم (ع) راه و کیفیت دانش‌انوزی و حتی چگونگی ثبت و ضبط علوم را برای پیروان اسلام تبیین کرده‌اند. پیامبر اسلام (ص) در سخنی کوتاه راه فراگیری دانش را به شکلی روشن توضیح داده است: «العلم أكثر من أن یحصی، فذلین کل علم أحسنه» (دامنه علم چنان گسترده است که به شماره نمی‌آید پس از هر دانشی بهترینش را فراگیرید). و امام علی (ع) چنان می‌فرماید: «حذوا من کل علم

أرواه و دنیا عارفة فإین العلم کثیر وألمع قسیر» (از هر دانشی روح، عصاره، لب و مغز آن را برگزید و پسته‌های آن را رها کنید؛ زیرا علم بر دامنه و گسترده است و عمر کوتاه و زودگذر). با توجه به این سفارشات، توصیه‌ها و رهنمودها، دانشمندان اسلامی از همان دیرباز، در صدد برآمدند که مهمترین اصولی‌ترین و روح و عصاره علوم و مسائل علمی و فرهنگی را برگزینند و در واقع، خلاصه و فشرده علوم و فنون و معارف اسلامی و بشری را در مجموعه‌هایی قابل فهم عموم گرد آورند تا جامعه اسلامی به هنگام نیاز نتواند با مراجعه به آنها، به رفع نیازها و پرستشهای خویش بپردازد و دامنه اطلاعات و آگاهی خویش را توسعه و رشد دهد. بدین گونه بود که سدها مجموعه چنددانشی و دایرةالمعارف‌گونه پدید آمد.

آغاز این حرکت علمی و اساسی به سدهای نخستین اسلامی بازمی‌گردد؛ یعنی بلافاصله پس از نخستین ترجمه‌های متون خارجی به زبان عربی، ضرورت طبقه‌بندی علوم و معارف جدید در میان جامعه اسلامی و مجامع علمی جهان اسلام احساس شد و این ضرورت باعث پیدایش انواع گوناگون کتابهای چنددانشی و دایرةالمعارف‌گونه گردید.

از نخستین مجموعه‌هایی از این دست، می‌توان کتاب ارزشمند الحیوان اثر جاحظ (متوفی ۲۵۵ ق / ۸۶۹ م) را نام برد که از اواسط سده سوم هجری در اسلام پدید آمد.

از آن پس مجموعه‌هایی تألیف و تصنیف شد چون: اقسام العلوم اثر ابوزید بختی (متوفی ۳۳۲ ق / ۹۴۳ م)، اخصال العلوم اثر ابونصر فارابی (متوفی ۳۳۹ ق / ۹۵۰ م)، مناقب العلوم اثر خوارزمی (تألیف ۳۶۷ تا ۳۸۱ ق / ۹۷۹ تا ۹۹۱ م)، الفهرست اثر ابن ندیم بنیادی (متوفی ۳۲۷ ق / ۹۹۸ م)، کتابهای قانون، شفا و دانشنامه عالی اثر ابوعلی سینا (متوفی ۴۲۸ ق / ۱۰۳۸ م)، طبقات العلوم

طبقات العلم فی کل فن اثر ابوری (متوفی ۵۰۷ ق / ۱۱۱۳ م)، مفتاح العلوم اثر سکاکی (متوفی ۶۲۶ ق / ۱۲۲۹ م)، موضوعات العلوم و تعاریفها یا تعریفات العلوم و موضوعاتها اثر قاضی بيشاوی (متوفی ۶۸۵ ق / ۱۲۸۶ م)، نهایةالآداب فی فنونالآداب اثر نویری (متوفی ۷۲۳ ق / ۱۳۳۳ م)، صیغ الاکتفی اثر قلقشنندی (متوفی ۸۲۱ ق / ۱۳۱۸ م)، انوج العلوم اثر جلال‌الدین دوانی (متوفی ۹۰۷ ق / ۱۵۰۱ م)، مفتاح‌السعادة و مصیخ‌السیادة اثر طاش کبری‌زاده (متوفی ۹۶۸ ق / ۱۵۶۱ م)، انموذج العلوم اثر میرداماد (متوفی ۱۰۴۱ ق / ۱۶۳۱ م)، کشف‌الغیوب اثر حاجی خلیفه (متوفی ۱۰۶۸ ق / ۱۶۵۸ م)، بحارالانوار اثر علامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ ق / ۱۶۹۹ م)، کشف اصطلاحات الفنون اثر تهنوی (متوفی ۱۱۵۸ ق / ۱۷۴۵ م)، دو اثر العلوم و جنابول الرسوم اثر میرزا محمد اخباری (متوفی ۱۲۳۳ ق / ۱۸۱۷ م)، جام جم فی آثار العلم اثر ملاحسین جمعی (متوفی ۱۲۱۹ ق / ۱۹۰۱ م)، الذریعه الی تصانیف الشیعه اثر آقا بزرگ تهرانی (متوفی ۱۲۸۹ ق / ۱۹۶۹ م) و سدها مجموعه چند دانشی دیگر در سدهای مختلف اسلامی.

این مجموعه‌ها بیشتر به شکل موضوعی تهیه و تنظیم شده بودند؛ و به صورت پراکنده تنظیم الفیایی نیز در میان این مجموعه‌ها یافت می‌شد. اما در واقع تحول تنظیم مطالب دایرةالمعارفی از ترتیب موضوعی و رشته‌ای به الفیایی به صورت کامل در اواخر سده هفده و اوایل سده هجدهم میلادی ابتدا در اروپا تثبیت شد و سپس در کشورهای اسلامی و ایران رواج عام یافت. در کشورهای اسلامی عربی‌زبان، به جای این عنوان گاه از عنوان «موسوعه» نیز استفاده شده است.

پیدایش مجموعه‌های علمی چند دانشه و جنگهای دایرةالمعارف‌گونه در ایران، ریشه و سابقه‌ای دیرینه و حتی پیش از اسلام دارد که از آن جمله می‌توان به مجموعه

در این مجموعه از آیات قرآنی نیز، استفاده شده، چنانکه به تدوین شرح حال افراد و اشخاص و مسائل مختلف دیگر اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی نیز پرداخته شده است و نام کتاب نیز از همین سرچشمه گرفته است. زیرا از یک طرف کتاب شامل معارف بزرگ و شکوهمند اسلامی است و از جانب دیگر شرح حال بسیاری از معارف و شخصیتها نیز در آن فراهم آمده است که جمعاً نام معارف و معاریف به خود گرفته است.

«دینکرت» (Denkart) یا دینکرت، نام برد که در اوایل سده سوم هجری / نهم میلادی تدوین شد و با گرایش بیشتر ایرانیان به اسلام، این دانش جدید، در میان آنان بیش از پیش رواج یافت و موجب ایجاد دانشنامه‌ها، و مجموعه‌های چنددانشی گوناگون گردید که به بسیاری از آنان پیش از این اشاره شد. اما پیشینه ظهور دایرةالمعارف‌های فارسی در ایران به اوایل سده پنجم هجری / یازدهم میلادی بازمی‌گردد که نمونه‌های بارز آن، دانشنامه علایی از ابوعلی‌سینا، جام علایی از شهردان رازی است؛ و از همین دست در این اواخر می‌توان از لغت‌نامه‌ای علی‌اکبر دهخدا دایرةالمعارف فارسی اثر مصاحبه دانشنامه ایران و اسلام، دایرةالمعارف شیع و دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نام برد. یکی از این مجموعه‌ها که اکنون مورد سخن و نوشتار ماست، کتاب ارزنده و عموم‌پسند معارف و معاریف = دایرةالمعارف جامع اسلامی است که می‌توان آن را نوعی دایرةالمعارف حدیث و فقه نیز نامید، زیرا برای هر عنوان و مدخل آن که به صورت الفبایی تهیه و تدوین شده است، حدیث یا احادیث و گله حکمی فقهی استخراج شده است. مؤلف این اثر و دانشنامه، چنانکه خود نوشته، در ۱۳۱۳ ش / ۱۳۵۲ ق / ۱۹۳۵ م؛ در روسای گنجک دشتی، از توابع بوشهر، دیده به جهان گشوده و در ۱۳۶۸ قمری به همراه پدر خود وارد حوزه علمیه نجف شده است. پس از هجده سال که در آن حوزه مقدس به تحصیل پرداخته، به زادگاه خویش بازگشت و پس از دو سال اقامت در شهر خورموچ، به درخواست مردم بوشهر و با عنوان نماینده آیت‌الله العظمی سیمسجم حکیم به آن شهر رفت و پس از ۱۵ سال اقامت در آن شهر به دارالمعلم قم مهاجرت کرد و به تألیف و تصنیف کتابهای دروس حوزوی و شرح و بسط آنها پرداخت و این مجموعه حاصل سالها تلاش و کار مداوم وی است.

وی در مقدمه چاپ نخست پنج جلدی این اثر که در ۱۳۶۹ ش. انتشار یافته، هدف خویش را از تهیه این مجموعه چنین باز نموده است: «در آغاز هدف این بود که مطالبی دینی، اخلاقی و اجتماعی را از متن احادیث استخراج و ترجمه نموده و دسته‌بندی کند و آنها را ذیل عناوین و مناهل، واژه‌های مجرد و ترکیبی که فرهنگ جامعه اسلامی با آنها مأنوس است قرار داده و به صورت الفبایی تنظیم سازد، اما درحین عمل به مصداق «الکلام موردنظر بوده است. از این رو، در این مجموعه از آیات قرآنی نیز، استفاده شده، چنانکه به تدوین شرح حال افراد و اشخاص و مسائل مختلف دیگر اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی نیز پرداخته شده است و نام کتاب نیز از همین سرچشمه گرفته است. زیرا از یک طرف کتاب شامل معارف بزرگ و شکوهمند اسلامی است و از جانب دیگر شرح حال بسیاری از معاریف و شخصیتها نیز در آن فراهم آمده است که جمعاً نام معارف و معاریف به خود گرفته است.»

با موضوعاتی مانند: احکام، اخلاقی، تاریخ، علوم، اعلام و اصطلاحات اسلامی، این اثر یازار اول در پنج جلد در ۱۳۶۹ شمسی در قم منتشر گردید با ۱۳۳۳ صفحه. چاپ دوم با تجدیدنظر و اضافات در ۱۰ جلد شامل ۶۹۴۹ صفحه و در تیراژ ۲۰۰۰ نسخه در ۱۳۷۶ شمسی در قم انتشار یافت؛ و اکنون در این چاپ با تعداد صفحات بیشتر، تجدیدنظر و اضافات کلی در آن صورت گرفته که خود نشانگر همت بسیار این مؤلف دانشور و فرزانه است. در این چاپ جدید پس از نام اصلی آن (معارف و معاریف) نام «دایرةالمعارف جامع اسلامی» نیز دیده می‌شود که خود بیانگر قصد و نیت مؤلف و ازدیاد موضوعات جدید اسلامی و مناخل و عناوین دیگر است.

کسانی که چاپ اول این اثر را مطالعه کرده‌اند وقتی

چاپ جدید آن را مشاهده می‌کنند، به خوبی تفاوت میان این دو چاپ را درمی‌یابند و مطالب و مناهل اضافی را آشکارا می‌بینند و همچنین زحمات و کوشش را نیز که مؤلف در اضافه کردن و گسترش دادن عناوین و مناهلهای پیشین و هرچه بیشتر باور کردن و مفیدتر ساختن آنها متحمل شده است، به خوبی درمی‌یابند. تلاش و کوششی که مؤلف این مجموعه در استخراج احادیث برای هر عنوان از عناوین این دانشنامه نموده و باقی ستودنی است. برای مثال، عناوین: اگر، امامت، اوباش، بارجویی، بانگهی، بوربا، پیری، تور، جاسوس، جرعه، جریذین، خاخره، حوله، خار، درباری، رشوه، روضه سبزه، سوگاری، شمار، شوخی، شریح، عرفیات، عمومی، گریه، مجلی، مو، مهمان، نوشابه، هضم، هیزم، واژه‌ها و اصطلاحات و عناوینی است بسیار مأنوس که همه خیال می‌کنند معانی آنها با کلامی‌دانند؛ و چون بسیار در سطح فرهنگ و جامعه متداول است، همان‌طور تصور می‌کنند به معانی و مفاهیم آنها آشنایی دارند. اما اینکه این افراد تا چه اندازه و تا چه محدوده‌ای قادر به توضیح و شرح و بسط آنها هستند، مشخص نیست و اگر از کسی پرسیده شود کلمه «گری» یا «خار» یا «مو» را توضیح دهد، پس از لختی درنگ خواهد گفت: «گری همان «گری» یا «خار» همان «خار» یا «مو» همان «مو» است دیگر، همانند آن که از وی پرسیند: «انا اعطیناک الکون» یعنی چه؟ گفت: یعنی «انا اعطیناک الکون» و دیگر هیچ. حال باید توجه داشت که انتخاب این عناوین و استخراج آیات و احادیث از کتابهای مختلف روایی برای توضیح و تبیین این اصطلاحات آشکار و رایج از نظر جامعه، خودیچ کار طاقت‌فرسایی است و چه زحمت و رنج بسیاری می‌طلبد. همچنین بافتن عناوینی مانند: اقلیمه، آنا (بیمبری از بنی‌اسرائیل)، اوطاس، بارقلیبا، جالبقا و جلیسا، حت (قومی صحرائین در هند)، جعفر (نهری در بهشت)، جلاهن،

این دانشنامه همچون دیگر دایرةالمعارف های علمی و تخصصی جدید به شکلی منظم و با عناوینی مشخص و روشنمند نیست؛ و در بسیاری از موارد انتخاب عناوین و مدخلها بدون ضابطه ای مشخص و دایرةالمعارفی و شناخته شده است و حتی با دیگر فرهنگها و مجموعه های چند دانشی سنی در فرهنگ اسلامی نیز تناسبی ندارد و تنها از قاعده ای القابلی کردن عناوین پیروی شده و همچنین بسیاری از مدخلها، عناوین دایرةالمعارفی به شکل معهود و رایج نیستند و تنها یک لغت به شمار می روند. با این حال می توان این کتاب جامع الاطراف را که در ظن خود کمتر نظیر آن پیدا یافت می شود، یکی از مجموعه های چند دانشی و دایرةالمعارفی و دانشنامه ای به شمار آورد و از آن استفاده فراوان بود. به ویژه که کوشش شده است مطالب ذیل عناوین کوتاه و مختصر اما مفید باشد و با نثری رایج و همه کس فهم و با شکل ظاهری خوب و دوستونه و جروحینی قالب و تجلیدی زیبا و چشم نواز منامی که مورد استفاده مؤلف محترم قرار گرفته بیشتر منابع و مأخذ حدیثی و روایی است؛ مانند: کتاب اریمة: اصول و فروع کافی، کتاب من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام، الاستیعاب؛ و کتب سته یا به تعبیر درست تر: کتب تسعة؛ صحیح مسلم، صحیح بخاری، مشهد احمدین حنبل؛ سنن ابوداود، سنن نسائی، سنن ترمذی سنن ابن ماجه الموطا مالک و دیگر مجامع حدیثی و روایی مانند: خصالی؛ مواضع؛ کمال الدین صدوق، مصابیح جامع الاصول؛ تهذیب الکمال؛ تحفة الاشراف؛ مشکل الآثار، مستدرک حاکم، سنن بیهقی، کنز العمال، منهای السنة، اعلام الوری، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل، بحارالانوار و دهها کتاب حدیثی دیگر از شیعه و سنی.

چند حدیث و روایت استخراج و ترجمه شده است. این دانشنامه همچون دیگر دایرةالمعارف های علمی و تخصصی جدید به شکلی منظم و با عناوینی مشخص و روشنمند نیست؛ و در بسیاری از موارد انتخاب عناوین و مدخلها بدون ضابطه ای مشخص و دایرةالمعارفی و شناخته شده است و حتی با دیگر فرهنگها و مجموعه های چند دانشی سنی در فرهنگ اسلامی نیز تناسبی ندارد و تنها از قاعده ای القابلی کردن عناوین پیروی شده و همچنین بسیاری از مدخلها، عناوین دایرةالمعارفی به شکل معهود و رایج نیستند و تنها یک لغت به شمار می روند. با این حال می توان این کتاب جامع الاطراف را که در ظن خود کمتر نظیر آن پیدا یافت می شود، یکی از مجموعه های چند دانشی و دایرةالمعارفی و دانشنامه ای به شمار آورد و از آن استفاده فراوان بود. به ویژه که کوشش شده است مطالب ذیل عناوین کوتاه و مختصر اما مفید باشد و با نثری رایج و همه کس فهم و با شکل ظاهری خوب و دوستونه و جروحینی قالب و تجلیدی زیبا و چشم نواز منامی که مورد استفاده مؤلف محترم قرار گرفته بیشتر منابع و مأخذ حدیثی و روایی است؛ مانند: کتاب اریمة: اصول و فروع کافی، کتاب من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام، الاستیعاب؛ و کتب سته یا به تعبیر درست تر: کتب تسعة؛ صحیح مسلم، صحیح بخاری، مشهد احمدین حنبل؛ سنن ابوداود، سنن نسائی، سنن ترمذی سنن ابن ماجه الموطا مالک و دیگر مجامع حدیثی و روایی مانند: خصالی؛ مواضع؛ کمال الدین صدوق، مصابیح جامع الاصول؛ تهذیب الکمال؛ تحفة الاشراف؛ مشکل الآثار، مستدرک حاکم، سنن بیهقی، کنز العمال، منهای السنة، اعلام الوری، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل، بحارالانوار و دهها کتاب حدیثی دیگر از شیعه و سنی.

نویسنده از منابع تاریخی و رجال همچون: سیرة ابن هشام، طبقات ابن سعد، فهرست ابن ندیم، فهرست طوسی، رجال طوسی، رجال نجاشی، رجال کش، تاریخ یعقوبی، تاریخ

جودی (کوه)، خرفه، خرنوبه، رضوی (کوه)، سوخ، سجوره، سقنوری، سکماسک، سکون، سلق، طهلیل (نام ملک)، عبطه، غرابیق، غلول، کلوه، مایوسج (نام غلامی است)، مخافیر و مانند اینها در منابع گوناگون و مأخذی که کمتر در دسترس است، نیز کوشش جدی می طلبد و عشق وافر و حوصله ای زیاد؛ به ویژه اگر گردآورنده و تهیه کننده تنها یک نفر باشد. این کار اگر گروهی انجام گیرد خود شاکار است؛ چه رسد به اینکه یک نفر یک نه چنین کار سترگی را انجام دهد. در انتخاب عناوین ترکیبی نیز دقت شده است که از متن فرهنگ جامعه استخراج شوند و در ذیل آنها مسائل و موضوعات مهم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به بحث گذاشته شوند. این عناوین ترکیبی گاهی بسیار جالبه خواندنی، شیرین و جذاب است. زیرا بسیاری از این عناوین را در کمتر جایی می توان پیدا کرد که به این جذاب و شیرینی، میا حتی را به دنبال داشته باشد. برای نمونه به این عناوین و مدخلها توجه شود:

آب دادن، آب سرد، آبگوشته، آرایشگر، خلوادة فرعون، آزادی بیان، آسیای چشمه، آیات نهکانه موسی (ع)، ابن الوقت، اختلاف افراد بشر در خلقت، ارباع کوفه، اشعری های قم، انقلابیون خوسر، با آل علی هر که حرفه اند...، بقلة الحقیقه، بیت ایل، بیزن، تاریخ تکرار می شود، طغی جان کندن، جانورانی که در کشتی نوح بودند، جایزه سلطان، جنگاوندن حیوانات، چهارقل، چین نخل، حلیة محامد، حزب الهائی، حمالة الحطبیه، حلیة شرعی، خشت طلا، اصحاب عیسی، دایة الارض، دجالارض، دست زدن (گف زدن)، دینفروش، ذوالجناب، رنگ کردن مو، ریگ برانی، سلسله الذهب، سؤال قبر، شب نشین، مالک دوزخ، مسئله نامه عمل، نوابان کبیه، ولگردی، هوچیگری، هورقبا و صدها عنوان ترکیبی دیگری که در کمتر کتابی ثبت و تشریح شده است. در این کتاب و مجموعه با شیوه ای قالب و خواندنی جمع آوری شده است. از همه مهمتر اینکه ذیل هر یک از این عناوین به تناسب یک یا

طبری، مروج الذهب، اسدالغایه، الاصابه، الاستیعاب وقیات الاعیان، الکامل ابن اثیر، تاریخ ابن خلکان و بسیاری از کتلهای تاریخی، رجالی و طبقات دیگر نیز، استفاده کرده است. چنانکه از فرهنگها و قاموس مانند: تهذیب الله، اسباب الاقتباس، غیث اللغات، منتهی الاربه لسان العرب، فرهنگ نظام، انترناج، برهان قاطع، لغتنامه دهخدا و فرهنگها و قاموس دیگر نیز بهره برده است. او از کتلهای تفهیر مانند: تفسیر طبری، تفسیر مجمع البیان، تفسیر تکرمانشور، تفسیر صافی، تفسیر المیزان و صدها تفسیر دیگر از شیعه و اهل سنت غافل نبوده و از آنها در تدوین و مفیدسازی این مجموعه استفاده کرده است. همچنین از بسیاری کتب فقهی شیعه و سنی، کتلهای اخلاقی، حقوقی، ادبی، دایرةالمعارف های عمومی و تخصصی و مجامع علمی دیگر نیز در حد لزوم بهره برداری کرده است و می توان ادعا کرد که مؤلفه به ویژه در این ویرایش جدید اثر و تألیف در زمینه های گوناگون علوم و فنون استفاده کرده است. اما نکته اصلی و سند مهم و کار استخراج احادیث و روایات، همانا کتاب جامع و دایرةالمعارف گونه بحارالانوار علامه مجلسی بوده است و می توان ادعا کرد که هیچ عنوانی در این مجموعه نیامده مگر اینکه بخاری یکی از منابع آن است. امید است که خوانان و عامه مردم که وقت و حوصله و بودجه کافی جهت خریداری کتلهای گوناگون ندارند؛ از این کتاب به خوبی بهره ببرند و مسافت شیرین و خوشی را در برنو اطلاعات گونه گون و جذاب و شیرین آن سپری سازند.

نکته آخر اینکه چنانکه خود از مؤلف محترم و نویسنده دانشور این مجموعه شنیدم لوح فشرده این مجموعه نیز تهیه و در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است؛ با آنکه دستی به کامپیوتر دارند به راحتی بتوانند از این دانشنامه بهره بگیرند.